

احمدِ فیلسوف

نمایشنامه‌های کوتاه فلسفی برای
جوانان، پیران و همهٔ دیگر بیکاران

آلن بدیو

ترجمهٔ

فرحناز عطاریان



نشرکردن

فهرست

۱	مقدمه آلن بدیو بر ترجمه انگلیسی
۵	هیچ
۱۱	رخداد
۱۷	زبان
۲۵	مکان
۳۱	علت و معلول
۳۵	سیاست
۴۳	کثرت
۴۹	تصادف
۵۷	شعر
۶۱	سوژه (۱)
۶۹	بزرگ و کوچک
۷۵	بینهایت
۷۹	زمان
۸۳	حقیقت (۱)

ملیت	۸۹
مرگ	۹۵
سوژه (۲)	۹۹
اخلاقیات	۱۰۵
جامعه	۱۱۳
خدا	۱۲۳
حقیقت (۲)	۱۲۹
فلسفه	۱۳۷
تصمیم	۱۴۵
همان و دیگری	۱۵۳
خانواده	۱۶۱
وحشت	۱۶۷
هدفمندی	۱۷۷
ریاضیات	۱۸۵
طبیعت	۱۹۵
ایده	۲۰۱
پوچی	۲۰۷
تکرار	۲۱۳
منشأ	۲۲۱
تضاد	۲۲۷
پی‌نوشت‌ها	۲۳۵

مقدمه آلن بدیو بر ترجمه انگلیسی

احمد را تابستان ۱۹۸۴ خلق کردم، الجزایری تباری که زمانی طولانی در فرانسه زندگی کرده است. بسیاری از فرانسویان من را از کوره به در برده بودند، آنانی که به کارگران خارجی و خانواده‌های آنان بی‌رحمانه، بدون فکر و بی هیچ لاپوشانی حمله‌هایی نژادپرستانه می‌کردند. جوانان زیادی توسط تک‌تیراندازانی که پشت پنجره در کمین می‌نشستند هدف گرفته شدند، آن هم به بهانه «تولید سر و صدا و مزاحمت»! پر واضح است که برای این بچه‌شکارچی‌ها زندگی یک عرب ارزش چندانی نداشت. همچنین از موضع‌گیری دولت و همین‌طور تقریباً همه احزاب سیاسی سخت خشمگین بودم. نه، لپن شرور تنها نبود. خود نخست وزیر، فرانسوا میتران سوسیالیست، درباره مهاجرت گفته بود: «لپن دغدغه‌هایی مشروع را پیش کشیده است». قوانینی سخت‌گیرانه آماده می‌شد تا زندگی را بر کارگرانی که سخت‌ترین کار و کمترین درآمد را داشتند و در مناطقی نابرخوردار در حاشیه شهرها ساکن بودند حتی مشکل‌تر کند.

گاه برای نشان دادن طغیان، خنده روشی مناسب است. بسیار ناگهانی فکری به ذهنم خطور کرد که شخصیت‌ها و حوادث نمایش‌نامه‌ای بسیار